

دکتر کریگ کینر، متیو، سخنرانی ۴ مقدمه و متی ۱

کریگ کینر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر کریگ کینر هستم و در حال تدریس در مورد کتاب متی. این جلسه ۴، مقدمه و متی ۱ است.

انجیل متی به طور خاص خطاب به یهودیان معتقد به مسیح، مسیحیان یهودی‌نژاد و پیروان یهودی یسوا، مسیح یهودی، عیسی، نوشته شده است.

مردم در مورد تاریخ دقیق آن بحث می‌کنند. پاپیاس می‌گوید متی ابتدا آن را نوشته است، بدیهی است که این امر به نفع تاریخ قدیمی‌تری استدلال می‌کند. اما انجیل متی فعلی ما به شکل فعلی‌اش، فکر می‌کنم احتمالاً زمانی پس از سال ۷۰ میلادی بوده است.

اگرچه استدلال‌های مربوط به تاریخ‌گذاری انجیل‌ها به هیچ وجه قطعی نیستند. آنها اغلب با آنچه در بسیاری از نامه‌های پولس می‌بینید کاملاً متفاوت هستند. بنابراین، طیف گسترده‌ای از بحث‌ها در مورد تاریخ‌ها وجود دارد.

مأموریت بزرگ اوج و پایان انجیل متی است. آثار باستانی گاهی اوقات مضامین اصلی خود را در انتهای یک اثر خلاصه می‌کردند. اغلب، آنها را در ابتدا معرفی می‌کردند.

اثری مانند اعمال رسولان، اعمال رسولان ۸:۱، برخی از مضامین اصلی را معرفی می‌کند. اما انجیل متی به طور خاص مضامین مختلف را در انتهای انجیل خود به هم پیوند می‌دهد. و ما آن را در مأموریت بزرگ داریم.

می‌خواهم نشان دهم که چگونه این نتیجه‌گیری از انجیل متی، در واقع برخی از مضامین اصلی را به هم پیوند می‌دهد، درست به عنوان راهی برای بررسی برخی از این مضامین در انجیل متی. مأموریت بزرگ شامل خدمت بین فرهنگی، بشارت و آنچه می‌توانیم آموزش مسیحی بنامیم، می‌شود. متی ۱۹:۲۸ و ۲۰.

شما یک دستور دارید که توسط سه جمله وصفی فرعی احاطه شده است. یا می‌توانیم بگوییم که این یک دستور است که به سه روش انجام می‌شود. این دستور، شاگردسازی است.

ما این کار را با رفتن، با تعمیم دادن و با تعلیم دادن انجام می‌دهیم. حال، بخش رفتن ممکن است به سادگی پیش‌فرض گرفته شده باشد، اما در آنجا بیان شده است. اما پیش‌فرض این است که به سوی چه کسی می‌رویم، ملت‌ها هستند، زیرا ما در حال شاگردسازی ملت‌ها هستیم.

بنابراین، خبر خوب باید به همه ملت‌ها برسد. خوب، آیا این ایده جدیدی در انجیل متی است، یا ایده‌ای است که او مدتی است ما را برای آن آماده می‌کند؟ خوب، ببینیم. انجیل با اجداد عیسی آغاز می‌شود.

و ضمناً، لطفاً عکس‌های من را ببخشید. من هر عکسی را که می‌توانستم رایگان بگیرم گرفتم. در آن زمان آنها رایگان بودند.

بنابراین، به هر حال، همه آنها دقیقاً مرتبط نیستند. اما به هر حال، شجره‌نامه‌های باستانی معمولاً فقط شامل مردان می‌شدند. لطفاً به من بد نگاه نکنید که انگار زنان را کنار گذاشته‌ام، اما این دقیقاً همان کاری است که در آن زمان انجام می‌دادند.

شجره‌نامه‌های باستانی معمولاً فقط شامل مردان می‌شدند، اما متی از چهار زن نام می‌برد. خب، آنها چه کسانی هستند و اهل کجا هستند؟ تamar، راحاب، روت و بیوه اوریا که از دوم سموئیل می‌دانیم بتشیع بود. خب، آنها اهل کجا هستند؟ تamar ظاهراً اهل کنعان بود.

داستان او در پیدایش ۳۸ روایت شده است، جایی که در واقع خدا از او برای کمک به توبه یهودا استفاده می‌کند. اما ظاهراً او یک کنعانی محلی بود. راحاب، خب، داستان او را از کتاب یوشع می‌دانید.

او اهل کجاست؟ او اهل اریحا است. و در واقع، داستان او در یکی از زمینه‌های کتاب یوشع در هم تنیده شده است. این داستان مستقیماً در مجاورت داستان عخان قرار دارد.

عخان از قبیله یهودا بود و شاید انتظار داشته باشید که عخان آدم خوبی باشد، اما عخان غنایمی را که از اریحا گرفته بود زیر چادر خود پنهان کرد. در مقابل، راحاب جاسوسان را روی پشت بام خود پنهان کرد. عمل او منجر به رهایی خانواده‌اش و خیانت به قومش شد.

با این حال، عخان به قوم خود خیانت کرد و منجر به نابودی خانواده‌اش شد. در هر مورد، خانواده در این راز شریک بودند و بنابراین در مسئولیت آن سهیم بودند. روت، خب، ما می‌دانیم که او در کتاب روت کجاست.

او یک موآبی بود. تثنیه ۲۳:۳ می‌گوید که یک عمونی یا یک موآبی نباید وارد جماعت خداوند نسل دهم شود، اما او به دلیل اینکه به خداوند، خدای اسرائیل، وفادار ماند، اجازه ورود داشت، روت ۱:۱۶. و در نهایت بتشیع را داریم، اما نام او بتشیع نیست. او همسر او، زنی که همسر او بود، زنی که بیوه اوریا بود. اوریا یهیتی نامیده می‌شود.

ممکن است خود بتشیع از قبیله یهودا بوده باشد. شواهدی برای این موضوع وجود دارد، فکر می‌کنم در کتاب دوم سموئیل، اما او با یک خانواده یهیتی ازدواج کرده بود. بنابراین، هر چهار زن یا غیریهودی هستند یا ارتباط بسیار قوی با غیریهودیان دارند.

بنابراین، سه تن از اجداد پادشاه داوود، مادر پادشاه سلیمان، همگی این ارتباطات غیریهودی را داشتند. با این حال، هدف از تبارشناسی یهودی، تأکید بر خلوص تبار اسرائیلی فرد بود. متی به طور خاص برعکس تبار سلطنتی عیسی از طریق یوسف عمل می‌کند.

خب، شما به سه گروه در متی فصل دوم نگاه کنید، و ما برمی‌گردیم و برخی از این‌ها را با جزئیات بیشتری بررسی می‌کنیم، همانطور که متی را با جزئیات بیشتری بررسی می‌کنیم، اما فقط این موضوع غیریهودیان یا همه ملت‌ها را دنبال می‌کنیم. خب، سه شخصیت یا گروه جدید از شخصیت‌ها که قبلاً در فصل اول حضور نداشتند، مغ‌هایی هستند که از نسل پادشاه پارس، هیروдіس، پادشاه یهودیان بودند، اگرچه او یک ادومی، یک ادومیایی از بدو تولد بود، اما آنها قبلاً به زور به یهودیت گرویده بودند، و کاتبان و کاهنان اشرافی که شاید چیزی شبیه کشیشان و اساتید حوزه علمیه زمان خود بودند. خب، خدا اغلب ما را غافلگیر می‌کند.

مجازات طالع‌بینان مرگ بود، اما آنها برای عبادت می‌آمدند. خب، این در مورد مغ‌ها صادق بود. حالا، در مورد هیروдіس کبیر چگونه؟ کدام پادشاه عهد عتیق فرزندان پسر را کشت؟ او فرعون بود.

بنابراین در اینجا افرادی را داریم که ممکن است بت پرست تلقی شوند، بیگانگانی که برای پرستش پادشاه اسرائیل می آیند، و پادشاه اسرائیل مانند یک بت پرست رفتار می کند. بعداً با جزئیات بیشتری به این موضوع خواهیم پرداخت، اما در متی فصل های سه و چهار، اشاراتی نیز به این موضوع داریم. یحیی تعمید دهنده برای جمعیت موعظه می کند.

فکر نکنید که می توانید با خود بگویید، ما ابراهیم را به عنوان جد خود داریم. من به شما می گویم، از این سنگ ها، خدا می تواند فرزندی برای ابراهیم برانگیزد. در فصل چهارم، وقتی عیسی نقل مکان می کند، متی می گوید که این امر پیشگویی اشعیا نبی را که به جلیل غیریهودیان اشاره دارد، محقق می کند.

متی فصل هشتم از یک فرمانده رومی صحبت می کند که از نظر فنی احتمالاً رومی نیست. او احتمالاً از نژاد سوری بوده، اما به روم خدمت می کرده و بنابراین در این روایت به عنوان نماینده روم عمل می کند. و این مرد با ایمان عمل می کند.

عیسی ایمان خود را می پذیرد و می گوید، به شما می گویم که بسیاری از شرق، مانند مجوسیان، و از غرب مانند رومی ها، خواهند آمد. بسیاری خواهند آمد و در ضیافت موعود با ابراهیم، اسحاق و یعقوب در پادشاهی بر سر یک سفره خواهند نشست. علاوه بر این، در فصل هشتم، جایی که عیسی دیوزدگان غیریهودی را درمان می کند، این سرزمین عمدتاً غیریهودی است، زیرا آنها در آنجا خوک پرورش می دهند و تعدادی یهودی در آنجا زندگی می کردند، اما عمدتاً غیریهودی هستند.

فصل ۱۰، عیسی می گوید وقتی آن خانه یا شهر را ترک می کنید، وقتی شاگردانش را برای موعظه و شفا به سراسر جلیل می فرستد، خاک پاهایتان را بتکانید. اگر به حرفتان گوش ندادند، خاک پاهایتان را بتکانید. خب کاری که یهودیان بسیار محافظه کار گاهی اوقات هنگام بازگشت به سرزمین مقدس یا آمدن به مکانی مقدس مانند معبد انجام می دادند، این بود که خاک کفرآمیز را از پاهایشان می تکاندند.

و بنابراین، در اینجا، شاگردان عیسی باید با این شهرهای جلیلی طوری رفتار کنند که گویی بت پرست هستند. و به همین دلیل است که او در ادامه می گوید، به شما می گویم که در روز داوری، تحمل سدوم و عموره آسان تر، تحمل پذیرتر از آن شهر خواهد بود. فصل ۱۱ می گوید که در روز داوری، تحمل صور و صیدون آسان تر از شما خواهد بود.

و تو، کفرناحوم، اگر معجزاتی که در تو انجام شد در سدوم انجام می شد، تا به امروز باقی می ماند. در فصل عیسی می گوید که نینوا و سبا برای روز داوری آماده تر از قوم خودش بودند. و او بر این نکته تأکید ۱۲ می کند که دانش بیشتر و مواجهه بیشتر با حقیقت، مسئولیت بیشتری را در برابر خدا به همراه دارد.

بنابراین، در مکان هایی که انجیل بیشتری وجود داشته است، اگر از دریافت حقیقت قاصر بمانند، داوری حتی شدیدتر خواهد بود. در حالی که خداوند اغلب هدایای خود را به کسانی می دهد که به سراغشان می رود، و قبلاً هرگز فرصتی برای شنیدن آنها نداشته اند. و ما این را در بسیاری از داستان های معجزه آسا می بینیم. اگرچه خداوند همه را در همه جا دوست دارد.

و بنابراین، می بینیم که در فصل ۱۵، یک زن کنعانی داریم. در انجیل مرقس، او یک زن سوری - فنیقی است که گفته می شود یونانی بوده است. خب، یونانیان طبقه حاکم بر شهر سوری - فنیقی بودند.

سوری -فنیقیه منطقه فنیقی در شمال بود، برخلاف لیبو-فنیقیه که در منطقه اطراف کارتاژ در شمال آفریقا قرار داشت. چرا متی او را کنعانی می‌نامد؟ خب، وقتی کنعانی‌ها آواره شدند، بسیاری از آنها به این منطقه رفتند. بنابراین، او نیز با نوع کنعانی مطابقت دارد.

و به یاد داشته باشید که در ابتدای انجیل متی، چند زن کنعانی وجود داشتند. شما تamar و راحاب را داشتید. بنابراین اکنون او داستان یک زن کنعانی از زمان خودش را برای شما تعریف می‌کند.

اگر گروهی وجود داشت که یهودیان تقریباً به اندازه رومی‌ها از آن متنفر بودند، یا بسیاری از آنها از آن متنفر بودند، آن گروه کنعانی‌ها بودند. بنابراین، قرار دادن این جنبه در داستان، او را به اصل مطلب می‌رساند. خب، این زن بخشی از یک طبقه نخبه است که به نوعی نان را از دهان فرزندان دیگران می‌دزدند.

یونانیان طبقه‌ی شهروند حاکم بر سوریه -فنیقیه بودند. همچنین، او در یکی از شهرهایی بود که به حومه وابسته بود. بنابراین، او مدت‌ها در موقعیتی ممتاز قرار داشت.

حالا او باید در مقام دادخواهی به نزد عیسی بیاید و عیسی را به عنوان پسر داوود، که پادشاه برحق است، تصدیق کند. او فریاد می‌زند و می‌گوید: «و عیسی درخواست او را اجابت می‌کند و ایمان او را می‌ستاید. فصل ۱۶، پطرس در قیصریه فیلیپی به عیسی اعتراف می‌کند.

این شهر بت‌پرستی به خاطر جادوگری و پرستش بت‌پرستان شناخته می‌شد. در ابتدا، به نام غار خدای پان در آنجا، پانیاس نامیده می‌شد، اما سپس به افتخار امپراتور و همچنین فیلیپ، به قیصریه فیلیپی تغییر نام داد. عیسی، آنجا جایی است که او از پطرس اعتراف می‌گیرد.

او می‌گوید، شما من را که می‌دانید؟ اینجا است که پطرس اعتراف می‌کند که عیسی کیست. در فصل ۲۴ عیسی می‌گوید، نشانه‌های زیادی خواهید دید که در پایان واقعاً نشانه نیستند، اما این چیزی است که به شما می‌گوید پایان نزدیک است. مژده پادشاهی باید در میان همه مردم موعظه شود و سپس پایان فرا خواهد رسید.

در فصل ۲۵، ملت‌ها بر اساس نحوه واکنششان به مأموران عیسی داوری می‌شوند. هر کاری که با کوچکترین این‌ها، برادران و خواهران من، انجام داده‌اید. خب، برادران و خواهران عیسی در جای دیگری از انجیل متی. چه کسانی هستند؟ هر که اراده پدر من را که در آسمان است، انجام دهد.

عیسی می‌گوید، شما یک پدر در آسمان دارید، متی ۲۳، همه شما برادران و خواهران ما هستید. بنابراین حتی در فصل ۲۸، عیسی به زنان مقبره می‌گوید، بروید، به برادران من بگویید. بنابراین، برادران و خواهران عیسی. شاگردان، پیروان عیسی هستند و عیسی آنها را می‌فرستد تا مژده پادشاهی را در میان ملت‌ها موعظه کنند.

و سپس ملت‌ها بر اساس اینکه آیا به آنها غذا داده‌اند، به آنها آب داده‌اند و غیره، داوری می‌شوند. خب، این چیزی است که ما در متی فصل ۱۰ می‌بینیم. عیسی شاگردانش را می‌فرستد و هر کسی که آنها را بپذیرد، از آنها پذیرایی کند و آنها را به خانه خود ببرد، برکت خواهد یافت.

اگر این کار را نکردند، خاک پاهایتان را بتکانید. و در پایان این فصل، عیسی می‌گوید، اگر شما را بپذیرند، مرا پذیرفته‌اند. و اگر حتی یک فنجان آب سرد به نام من به شما بدهند، مرا پذیرفته‌اند.

بنابراین در اینجا عیسی پیام‌آوران، یعنی نمایندگان خود را می‌فرستد. وقتی ما مژده را به مردمی که قبلاً هرگز آن را نشنیده‌اند، می‌رسانیم، این نقش را ایفا می‌کنیم و بخشی از این نقش وعده داده شده آخرالزمانی را که

رساندن مژده به ملت‌ها است، به انجام می‌رسانیم. و در نهایت به فصل ۲۷ می‌رسیم، اولین افرادی که پس از مصلوب شدن عیسی، او را به عنوان پسر خدا اعتراف کردند.

این جوخه اعدام است. مرقس از افسر رومی نام می‌برد، متی می‌گوید افسر رومی و همراهانش، همگی وارد آن شدند و عیسی را به عنوان پسر خدا اعتراف کردند. بنابراین، ما این مضمون را داریم که در سراسر انجیل جریان دارد.

وقتی به متی فصل ۲۸ می‌رسیم، جای تعجب نیست. این فقط به اوج موضوعی می‌رسد که همیشه وجود داشته است. بنابراین، متی ۲۸، رفتن، همچنین تعمید دادن.

این چیزی نیست که در تمام انجیل متی در مورد غسل تعمید وجود داشته باشد، اما چیزی در آن وجود دارد که به این ایده مرتبط است. غسل تعمید در فصل ۳ به عنوان عملی از توبه ظاهر می‌شود. وقتی یحیی تعمید دهنده موعظه می‌کند، توبه کنید زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است.

و سپس مردم، همانطور که در پرتو این تعمید توبه توبه می‌کردند، غسل تعمید می‌گرفتند. حال، یهودیان وقتی غیریهودیان به یهودیت گرویدند، غیریهودیان را غسل تعمید می‌دادند. و این در اینجا قابل توجه است. زیرا یحیی تعمید دهنده از این نوع شستشو با یهودیان استفاده می‌کرد.

باز هم، فکر نکنید که با خودتان بگویید ما فرزندان ابراهیم هستیم، اما همه ما باید با شرایط یکسان به سوی خدا بیاییم. همه ما باید توبه کنیم. و در این مورد، غسل، غسل تشریفاتی چیزی بود که از قبل به این شکل درک می‌شد.

انواع غسل‌های منظم وجود داشت، اما این نوع غسل یک‌بار برای همیشه که نشان‌دهنده‌ی روی آوردن به خدا بود، چیزی بود که معمولاً با غیریهودیان انجام می‌شد. اما توجه کنید که پیامی همراه با غسل تعمید یحیی وجود دارد: توبه کنید زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است.

خب، این پیام در سراسر انجیل تداوم دارد. این مربوط به یحیی تعمید دهنده در فصل ۳ و آیه ۲ است. عیسی در فصل ۴ و آیه ۱۷ همین پیام را ارائه می‌دهد. این خلاصه پیام اوست.

توبه کنید زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است. فصل ۱۰ و آیه ۷، همانطور که عیسی شاگردان را می‌فرستد می‌گوید، و همانطور که شما موعظه می‌کنید، پادشاهی آسمان نزدیک است. اما از آن زمان تاکنون تغییری رخ داده است.

تغییر این نیست که ما دیگر پادشاهی آسمان را موعظه نمی‌کنیم. تغییر این است که اکنون درک روشنی از اینکه چه کسی پادشاه پادشاهی آسمان است، داریم. بنابراین، در متی فصل ۲۸، فقط به غسل تعمید، مانند ادامه کاری که یحیی تعمید دهنده انجام می‌داد، اشاره نمی‌کند، بلکه مشخص می‌کند که تعمید اکنون پیام خاص‌تری مرتبط با آن دارد.

ما به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می‌دهیم. یعنی اکنون ماهیت پادشاهی را که در پادشاهی خدا اعلام می‌کنیم، به طور کامل‌تری درک می‌کنیم. در سراسر انجیل متی، اقتدار عیسی را می‌بینیم.

او بر بیماری، بر ارواح و بر طوفان‌ها اقتدار دارد. همانطور که در متی فصل ۹ کسی را شفا می‌دهد، عیسی می‌گوید، پسر انسان بر روی زمین اقتدار دارد تا گناهان را ببخشد. اما در اینجا در فصل ۲۸، آیه ۱۸، عیسی می‌گوید، تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است.

پادشاهی آسمان واقعاً متعلق به پسر انسان، یعنی عیسی است. و سپس در آیه ۱۹، شما به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می‌دهید. یهودیان می‌دانستند که پدر نامی است که اغلب در دعا برای خدا از آن استفاده می‌کنند.

روح، آنها واقعاً روح را به عنوان یک شخص متمایز، آنطور که ما به تثلیث اعتقاد داریم، نمی‌دیدند، اما روح را به عنوان جنبه‌ای از خدا می‌دیدند. آنها روح را قطعاً الهی می‌دانستند. نامگذاری عیسی به عنوان پسر بین پدر و روح، به وضوح عیسی را به عنوان موجودی الهی به تصویر می‌کشد.

و به همین دلیل است که عیسی در آیه ۲۰ ادامه می‌دهد و می‌گوید، من تا پایان عصر با شما هستم. در تفکر یهودی، تنها کسی که می‌توانست همزمان با همه باشد، خدا بود. فقط خدا در همه جا حاضر است.

در واقع، خاخام‌های بعدی نامی برای خدا داشتند. آنها او را ماکوم، به معنای مکان، به معنای موجود حاضر در همه جا، می‌نامیدند. و این چیز جدیدی در انجیل متی نیست.

این چیزی است که او ما را نیز برای آن آماده کرده است. متی ۱:۲۳، او باید عمانوئیل نامیده شود، که خدا با ماست. عیسی پیش از این در جسم خود بود.

و در متی ۱۸:۲۰، عیسی می‌گوید، هر جا که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من در میان آنها هستم. خب، یک ضرب‌المثل یهودی از دوران باستان وجود داشت که می‌گفت هر جا که دو یا سه نفر برای مطالعه تورات، برای مطالعه شریعت خدا جمع شوند، آنجا شکینا خدا، حضور خدا در میان آنهاست. عیسی ادعا می‌کند که خود حضور خداست.

و عیسی در اینجا نتیجه می‌گیرد، من همیشه با شما هستم، حتی تا پایان عصر. و من همیشه فکر می‌کردم خب، می‌دانید، در مأموریتی که در انجیل یوحنا آمده است، عیسی می‌گوید، روح القدس را بپذیرید، همانطور که پدر مرا فرستاد، پس من شما را می‌فرستم. در مأموریتی که در پایان لوقا و ابتدای اعمال رسولان آمده است، او به آنها وعده روح القدس را می‌دهد تا بتوانند بروند و این وظیفه مأموریت جهانی را انجام دهند.

اما اینجا در متی، فکر کردم، خب، او در مورد قدرت صحبت نمی‌کند، اما این کار را می‌کند چون می‌گوید من با شما هستم. او در انجام این وظیفه با ما خواهد بود. بنابراین، مأموریت بزرگ در مورد رفتن صحبت می‌کند، در مورد تعمید به نام پدر، پسر و روح القدس صحبت می‌کند، از جمله پیام ما در آنجا.

اما همچنین در مورد تعلیم صحبت می‌کند، تعلیم هر آنچه که به شما فرمان داده‌ام. ما پنج بخش گفتاری داریم، بخش‌های گفتاری اصلی. آموزه‌هایی در جاهای دیگر انجیل متی وجود دارد، اما ما پنج بخش گفتاری اصلی در انجیل متی داریم.

فصل‌های پنجم تا هفتم انجیل متی به اخلاق پادشاهی می‌پردازد. فصل دهم اعلام پادشاهی را الگو قرار می‌دهد. فصل ۱۳ تمثیل‌هایی از پادشاهی ارائه می‌دهد، هفت یا هشت تمثیل از پادشاهی، که بر جنبه کنونی پادشاهی تأکید دارد، اینکه چگونه پادشاهی از قبل مانند دانه خردل یا مخمر پنهان در یک قرص نان وجود دارد.

فصل ۱۸ به روابط در پادشاهی می‌پردازد. فصل‌های ۲۳ تا ۲۵ به پادشاهی آینده و داوری بر نهاد مذهبی می‌پردازد. حال، برخی افراد فصل ۲۳ را جدا از فصل‌های ۲۴ تا ۲۵ می‌دانند، اما هر یک از پنج بخش گفتارانی که برشمردم با این کلمات به پایان می‌رسد.

و وقتی عیسی این گفته‌ها را تمام کرد، یا در یک مورد، وقتی عیسی این تمثیل‌ها را تمام کرد. بنابراین، مانند یک فرمول برای پایان دادن به هر یک از اینها وجود دارد. و ۲۳ به نوعی به ۲۴ و ۲۵ تغییر می‌کند.

اما اگر می‌خواهید آنها را به شش بخش گفتاری تقسیم کنید، اشکالی ندارد. اغلب یهودیان دوست داشتند مطالب را بر اساس تورات به پنج بخش تقسیم کنند. مزامیر به پنج بخش تقسیم شده بود.

آنها کتاب امثال را به پنج بخش تقسیم کردند. شکل اولیه میثنا ابوت، خب، میثنا ابوت به چه چیزی تبدیل شد؟ شکل اولیه آن قبل از اینکه بخش‌های دیگری به آن اضافه شود، به پنج بخش تقسیم شده بود. اما این بخش‌ها مستقیماً با پنج بخش اسفار پنجگانه مطابقت ندارند.

بنابراین، اگر نمی‌خواهید پنج بخش را ببینید، اشکالی ندارد. اما در هر صورت، اینها مضامین اصلی ما در آموزه‌های عیسی هستند. حال، چون من فقط دارم اینجا خلاصه می‌کنم، قرار نیست همه آن آموزه‌ها را مرور کنم، چون هنوز انجیل متی را بررسی نکرده‌ایم.

اما می‌خواهم موضوع شاگردی را خلاصه کنم، چون او درباره شاگردسازی برای یک ملت صحبت می‌کند. خب، این در انجیل متی چه چیزی را در بر می‌گیرد؟ خب، در انجیل متی، شاگردسازی به این معنی است که ما برای عیسی شاگرد می‌سازیم، نه برای خودمان، چون او به طور خاص در متی ۲۳ این را می‌گوید. ما کارگران دیگری را برای خدمت به عیسی آماده می‌کنیم، تا بیرون بروند و شاگردسازی کنند.

این چیزی است که چند برابر شده است. عیسی، اول از همه، بالاتر از امنیت شغلی است. در متی فصل چهارم می‌بینید که چگونه او مردم را فراخواند تا تورهای ماهیگیری خود را رها کنند و از او پیروی کنند.

و ماهیگیران در واقع فقیرترین افراد از نظر درآمد نبودند. آنها معمولاً دستمزد بهتری نسبت به دهقانان دریافت می‌کردند. اما او آنها را فرا می‌خواند که این را رها کنند و از او پیروی کنند.

نه اینکه ماهیگیری به هیچ وجه بد باشد، اما او کار دیگری برای آنها دارد. همچنین می‌بینیم که عیسی بالاتر از امنیت مسکونی است. روباه‌ها لانه دارند، پرندگان لانه‌های خود را دارند، اما عیسی جایی برای استراحت ندارد، مگر شاید در عقب یک قایق ماهیگیری جلیلی در طول طوفان.

او حتی در نوزادی که در فصل دوم می‌بینیم، پناهنده بود. عیسی بالاتر از امنیت مسکونی است. در واقع، در انجیل متی، کسی به عیسی می‌گوید، من هر جا که بروی تو را دنبال خواهم کرد، زیرا عیسی قرار است سوار قایق شود و از دریاچه جلیل عبور کند.

عیسی پاسخ می‌دهد اگر می‌خواهی از من پیروی کنی، روی جایی که سرت را روی آن بگذاری حساب نکن. عیسی همچنین بالاتر از امنیت مالی است. عیسی به کسی می‌گوید که همه چیز را به فقرا بدهد.

این در آیه ۱۹:۲۱ بود. او این را به یک شخص ثروتمند می‌گوید. اما در فصل ششم، به همه ما می‌گوید که گنج خود را در آسمان ذخیره کنیم.

عیسی بالاتر از امنیت مالی است. عیسی همچنین بالاتر از تعهدات اجتماعی است. وقتی به کسی می‌گوید، بگذار مردگان مردگان خود را دفن کنند.

حالا می‌توانم جزئیات بیشتری در مورد پیشینه آن ارائه دهم، اما به خاطر داشته باشید که بزرگترین وظیفه یک پسر، احترام به پدر و مادرش بود. و بزرگترین تجلی این وظیفه، به ویژه برای پسر بزرگتر، دفن پدر بود. اینکه عیسی بگوید که او بر دفن پدر اولویت دارد، در واقع ادعای نقشی بود که سنت یهود فقط به خدا نسبت می‌داد.

و این مرد جوان، اگر مراسم تدفین پدرش را انجام نمی‌داد، تا آخر عمر از روستای خود طرد می‌شد، زیرا این کار از نظر اجتماعی منفور بود. پیروی از عیسی فراتر از وظایف اجتماعی بود. و عیسی نیز فراتر از خود زندگی است.

او می‌گوید اگر می‌خواهی از من پیروی کنی، صلیب را بردار و از من پیروی کن. یعنی من به سوی صلیب می‌روم، اگر می‌خواهی از من پیروی کنی، صلیب را بردار و با هم به آنجا می‌رویم.

باید آماده‌ی مرگ باشی. خب، آیا این خواسته‌ها برای ما خیلی سخت به نظر می‌رسند؟ چیزهایی که عیسی از پیروانش می‌خواهد؟ این یک استاندارد مطلق است، و با این حال با لطف و عنایت اجرا می‌شود. به همین دلیل است که مفید است که ما نه تنها مجموعه‌ای از گفته‌های عیسی را در انجیل متی رسمی خود داریم، بلکه روایت مربوط به آن را نیز داریم.

رومیان مجبور شدند یک رهگذر به نام شمعون اهل قیروان را برای حمل صلیب عیسی به میدان بفرستند. عیسی به شاگردانش گفت، اگر می‌خواهید شاگرد من باشید، صلیب خود را بردارید و از من پیروی کنید. رومیان مجبور شدند یک رهگذر را برای انجام کاری که شاگردان خود عیسی انجام نمی‌دادند، به میدان بیاورند.

عیسی گفت، اگر مرا انکار کنی، من هم در حضور پدرم که در آسمان است، تو را انکار خواهم کرد. پطرس او را انکار کرد، اما با این حال برای توبه‌کنندگان بخشش وجود داشت. یهودا رفت و خود را دار زد، اما در پاراگراف بعدی، پطرس غم و اندوه خود را به شیوه‌ای متفاوت بیان می‌کند.

او گریه می‌کند، سوگواری می‌کند. عیسی شاگردانش را طرد نکرد. او کسانی را که پیشگامان شاگردان عیسی امروز بودند، طرد نکرد.

منظورم این است که در جتسیمانی، ما به یاد او خوابیدیم. در شبی که مردم برای عید فصح بیدار می‌ماندند. و درباره کارهای بزرگی که خدا انجام داده بود صحبت می‌کردند، شاگردانش به یاد او به خواب رفتند. شاگردانش او را رها کردند و فرار کردند.

و پای صلیب، اکثر حواریون مرد حتی پای صلیب هم حاضر نشدند. در ابتدا، ظاهراً حتی پای مقبره هم حاضر نشدند. با این حال، به جای اینکه حواریون، این افراد عادی که عیسی انتخاب کرده بود را طرد کند، هنوز کار عیسی با آنها تمام نشده بود، بلکه او آنها را به افرادی تبدیل کرد که او آنها را به آن فراخوانده بود.

و همانطور که خدا ما را به مردمی که او ما را به آن فراخوانده است، شکل می‌دهد، ما نمی‌توانیم از آن قدردانی کنیم. زیرا وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم و می‌گوییم، من کاملاً به تو متعهد هستم، پروردگارا، هر کاری را که از من بخواهی انجام خواهم داد. و ما این را با فداکاری‌های خود نشان داده‌ایم، ضمناً، ما برای خداوند زندگی می‌کنیم.

ما می‌دانیم که این به دلیل فیض او در کار ماست، زیرا او با ما صبور بود و روح او در ما کار می‌کند. و او ما را به آن نوع افرادی تبدیل می‌کند که ما را به آن فراخوانده است. همین شاگردان سرانجام کاتالیزور گسترش می‌دهند در میان همه ملت‌ها بودند.

و آنها پیشگامان ما بودند. خداوند می‌تواند افراد عادی مثل شما یا مثل من را بگیرد و ما را به چیز دیگری تبدیل کند. و این نتیجه‌گیری مقدمه من بر انجیل متی است.

در این مرحله، من آماده‌ام تا با نگاهی به فصل اول انجیل متی، به خود انجیل متی بپردازم. فصل‌های اول تا چهارم انجیل متی، قبل از موعظه بالای کوه، برخی از مسائل مهم انجیل متی را معرفی می‌کنند. زندگینامه‌ها اغلب با ستایش اجداد سوژه خود در زمانی که اجداد مهمی داشته‌اند، یا ستایش تربیت سوژه خود، یا با بازگو کردن قسمت‌های مهمی از تولد یا کودکی سوژه برای تظاهر به بزرگی او در آینده، آغاز می‌شوند.

خب، متی و لوقا هم همه اینها را ذکر می‌کنند. به عنوان بخشی از پرداختن به پیشینه، گاهی اوقات باید شجره‌نامه را هم ذکر کنید. متی با شجره‌نامه شروع می‌کند.

مردم در دوران باستان معمولاً اجداد خود را به خوبی ثبت می‌کردند. اجداد هفت نسل قبل می‌توانست بر وضعیت مالیاتی شما در برخی از روستاهای مصر تأثیر بگذارد. و مردم، به خصوص اگر اجداد بسیار مهمی داشتند، اجداد خود را ثبت می‌کردند.

برای مثال، اگر یهودی بودید و اجدادتان کاهن بودند، باید سوابق بسیار دقیقی از آن نکه می‌داشتید. اگر از نسل سلطنتی بودید، قطعاً می‌خواستید آن را ثبت کنید. در واقع سنتی وجود دارد که مسیحیان اولیه آن را حفظ می‌کردند.

این در کتاب مقدس نیست، اما خویشاوندان عیسی، در زمان دومیتیان در پایان قرن اول، به دلیل تبار سلطنتی خود، در حضور امپراتور مورد استقبال قرار می‌گرفتند. متی از شجره‌نامه عیسی برای آموزش برخی نکات به ما استفاده می‌کند. این شجره‌نامه رسمی عیسی است.

نسب رسمی سلطنتی او از طریق یوسف مهمتر از نسب ژنتیکی او از طریق مریم است. به همین دلیل است که شجره‌نامه یوسف بازگو می‌شود. فرزندخواندگی به طور منظم برای پادشاهان استفاده می‌شد.

بنابراین، از میان پادشاهان مختلف، امپراتوران مختلف روم در سلسله جولیانو-کلودیان، سلسله این دوره حتی یک نفر از آنها در واقع پسر متولد امپراتور قبلی نبود. همه آنها به عنوان پسران امپراتور قبلی به فرزندی پذیرفته شدند. بنابراین، عیسی که توسط یوسف بزرگ شده است، وارث این نسل است.

شاید مریم نیز وارث این نسل بوده باشد، اما ما این را نمی‌دانیم. متی تبار یوسف را مشخص می‌کند. اما متی نه تنها به تبار سلطنتی عیسی به معنای واقعی کلمه علاقه‌مند است، بلکه می‌خواهد نکات معنوی را نیز در مورد میراث معنوی عیسی بیان کند.

این چیزی است که در بافت یهودی او بسیار آشنا خواهد بود، زیرا خاخام‌ها اغلب از بازی با کلمات میدراش، با کتاب مقدس استفاده می‌کردند. و در اینجا چند مورد از آنها را داریم. اگر ترجمه انگلیسی داشته باشید این را در بیشتر ترجمه‌های انگلیسی خود نخواهید دید، زیرا فکر می‌کنم مترجمان فکر کرده‌اند که این فقط یک اشتباه تاپی است.

این فقط یک اشتباه تایی، یک خطای املائی بود. اما در زبان یونانی، در فصل اول آیه ۱۰، گفته نشده که عیسی از نسل آمون، پادشاه شروری که تنها دو سال زندگی کرد، بوده است. در این آیه یکی از حروف آمون ختم می‌شدند و S به آموس تغییر داده شده است، که تغییر بدی نیست زیرا در زبان یونانی، نام‌ها اغلب به می‌توانید درک کنید که چرا این کار باید انجام می‌شد.

اما عمون پادشاهی شرور بود. عاموس پیامبر بود. و او همچنین یک حرف یونانی اضافه می‌کند که در انگلیسی به صورت دو حرف نوشته می‌شود، اما برای آسای پادشاه یک حرف یونانی است.

آنجا آسا نیست، که پادشاه بدی نبود، بلکه آسا پادشاه یهودا بود. اما متی در آیه هشتم یک حرف به نام او اضافه می‌کند و می‌شود آساف. خب، آساف که بود؟ آساف نویسنده مزامیر بود.

بنابراین، عیسی نه تنها وارث نسل داوود می‌شود، بلکه از نظر معنوی وارث انبیا و مزامیر نیز می‌باشد. حال کارکرد تبارشناسی. تبارشناسی کتاب مقدس گاهی اوقات تاریخ را بین دوره‌ها خلاصه می‌کند.

ما تقریباً ۱۰ نسل داریم که به سه پسر ختم می‌شوند، در متی، پیدایش، و سپس یک شجره‌نامه دیگر با ۱۰ نسل که تقریباً به سه پسر ختم می‌شوند. شما دوره‌های مختلفی را در پیدایش دارید که از طریق این شجره‌نامه‌ها به هم متصل شده‌اند تا راهی برای گذر از زمان باشند. همچنین در یهودیت، آنها می‌توانند به عنوان یادآوری حاکمیت خدا عمل کنند.

بعدها خاخام‌ها گفتند که ترتیب دادن ازدواج‌ها سخت‌تر از شکافتن دریای سرخ برای درست از آب درآمدن همه ازدواج‌ها است تا شما وجود داشته باشید. اما مهم‌ترین نکته در اینجا این پیام است که زمان آن فرا رسیده است. تبارشناسی اغلب در برخی نسل‌ها نادیده گرفته می‌شود.

و با مقایسه‌ی متی و لوقا برای همان دوره می‌توانیم بگوییم که متی برخی از نسل‌ها را از قلم انداخته است. همچنین می‌توانیم با مقایسه‌ی شجره‌نامه‌ی متی با دوم تواریخ بگوییم که متی برخی از نسل‌ها را از قلم انداخته است. اما او به عدد تقریبی ۱۴ نسل در اینجا و تقریباً ۱۴ نسل در آنجا می‌رسد.

و چیزی که متی می‌گوید این است که ببینید، این نسل‌ها از ابراهیم تا داوود تا زمان تبعید و حالا تا زمان عیسی هستند. در این فواصل زمانی مهم، اتفاق بزرگی در تاریخ اسرائیل رخ داده است. اسرائیل در این دوره منتظر یک اتفاق بزرگ بود و حالا این اتفاق افتاده است.

کتاب پیدایش عیسی مسیح. این از ترجمه، geneleos متی ۱:۱. به معنای واقعی کلمه، کتاب مقدس یونانی گرفته شده است، که طبیعتاً اگر به زبان یونانی می‌نویسید از آن استفاده می‌کنید. این از ترجمه یونانی پیدایش ۵.۱ گرفته شده است، که در واقع کتاب پیدایش، پس از عنوان یونانی، نام خود را از آن گرفته است.

استفاده می‌کنیم Genesis است، اما در انگلیسی، به هر حال، ما از عنوان bereshit، البته، در زبان عبری این فرمول یا فرمولی شبیه به آن را دارد، مانند کتاب Genesis کتاب پیدایش عیسی. حال، معمولاً وقتی نسل‌های آدم یا کتاب نسل‌های نوح، آنچه در ادامه می‌آید اجداد فرد نیست، بلکه نوادگان اوست.

زیرا نوادگان آدم، به خاطر پیشینه و میراثشان به آدم وابسته‌اند. نوادگان نوح به خاطر هویتشان در نوح به او وابسته‌اند. اما در اینجا، نوادگان عیسی را فهرست نمی‌کند.

این کتاب، اجداد او را فهرست می‌کند که در عیسی به اوج خود می‌رسند. زیرا حتی اجداد عیسی نیز در هدف خدا به او وابسته‌اند. او تاریخ اسرائیل را به اوج خود می‌رساند.

عیسی دلیل تمام این تاریخ بود که در آنجا به اوج خود می‌رسد، دلیل نهایی. گفته می‌شود عیسی در اینجا حضور دارد، پسر ابراهیم، یعنی همان بنی اسرائیل واقعی. و ما در ادامه، به ویژه در فصل دوم و همچنین فصل چهارم، پیوندهایی بین عیسی و تاریخ اسرائیل خواهیم دید.

عیسی همچنین پسر داوود است. در جای دیگری از انجیل متی، این به معنای مسیح موعود است. پسر داوود در جای دیگری از منابع باستانی یهودی، مانند مزامیر سلیمان و طومارهای دریای مرده و غیره، یک عنوان مسیحایی بود.

شجره‌نامه‌های باستانی اغلب فقط مردان را فهرست می‌کردند. اگر مهم‌ترین زنان را در نظر بگیریم، ممکن است انتظار داشته باشید که شامل چهار مادرسالار اسرائیل یا حداقل سه نفری که می‌توانستند همزمان داشته باشند، یعنی سارا، ربکا، لیه و راحیل، باشد. اینها چهار مادرسالاری بودند که مرتباً در ادبیات یهودی ظاهر می‌شدند.

اما متی این چهار زن را ذکر نمی‌کند. در عوض، متی نام تامار را از پیدایش ۳۸، راحاب را از یوشع ۲ و ۶ روت را از کتاب روت و بیوه اوریا را از دوم سموئیل فصل ۱۱ به بعد ذکر می‌کند. اینها چهره‌های مهمی در تاریخ اسرائیل هستند.

تامار اهل کنعان بود، راحاب اهل کنعان بود، روت موآبی بود و بتشیع با یک هیتی ازدواج کرده بود. بنابراین این یک شجره‌نامه استثنایی است. اکثر شجره‌نامه‌ها دوست دارند خلوص اجداد اسرائیلی یا لاوی فرد را برجسته کنند.

متی در عوض بر میراث مختلط عیسی، سه غیریهودی و یک بیوه غیریهودی، تأکید می‌کند. بنابراین، می‌دانید که مأموریت غیریهودیان، متی ۲۸:۱۹، چیزی فرعی نیست، بلکه چیزی است که متی از همان ابتدا مخاطبان خود را برای آن آماده کرده است. پس از تبارشناسی، پاراگرافی داریم که با صحبت در مورد تقوای یوسف، بیشتر در مورد پیشینه عیسی صحبت می‌کند.

زندگینامه نویسان باستان می‌توانستند بر تقوای تربیت فرد، والدین یا اجداد او و همچنین ویژگی‌های غیرمعمول تولد شخصیت اصلی داستان تأکید کنند. در این مورد، ما یک ویژگی غیرمعمول خاص در تولد عیسی داریم که معمولاً با تولدها مرتبط نیست، یعنی تولد از باکره. مردم گاهی اوقات سعی کرده‌اند مشابهه‌هایی برای این موضوع ذکر کنند، و این مشابهت‌ها واقعاً بسیار ضعیف هستند.

منظورم این است که چیزهای زیادی وجود دارد که می‌توانید در آنها جستجو کنید و شباهت‌هایی پیدا کنید، بسیاری از آموزه‌های عیسی شباهت‌هایی با آموزه‌های یهودی و غیره دارند. اما در مورد تولد از باکره می‌دانید، غیریهودیان، یونانیان داستان‌هایی از خدایان یونانی داشتند که انسان‌های فانی را باردار می‌کردند، به زنان یا دختران جوان تجاوز می‌کردند یا آنها را اغوا می‌کردند.

اما این ربطی به ایده خدای واحد حقیقی که با مریم رابطه جنسی ندارد، ندارد. او فقط او را به همان روشی که می‌تواند باعث به وجود آمدن خلقت شود، به وجود می‌آورد. او فقط باعث بارداری او می‌شود.

چیزی نزدیک‌تر به این، ایده تولدهای معجزه‌آسا مانند آنچه در عهد عتیق داریم، است. روایت‌های کتاب مقدس از تولدهای معجزه‌آسا، اسحاق، یعقوب و یوسف، همگی پس از اجابت دعا و باز شدن رحم‌های

، بسته رخ دادند. ما همچنین تولدهایی را داریم که توسط فرشتگان در عهد عتیق، اسماعیل و سامسون، پیشگویی شده‌اند، اما در آنجا هیچ تولد باکره‌ای نداریم.

و برای کسانی که دوست دارند بگویند خدایان باستانی، افسانه‌هایی در مورد تولد این خدایان از باکره‌ها وجود داشته، این درست نیست. شما چنین چیزی را در منابع باستانی پیدا نمی‌کنید. اینها چیزهایی هستند که پس از وقوع ماجرا ساخته شده‌اند.

وقتی متی و لوقا درباره تولد عیسی از باکره صحبت می‌کردند، این‌ها وجود نداشتند. گاهی اوقات متون به ما می‌گویند که یک شخصیت چقدر قابل اعتماد است و چقدر می‌توانیم از گفته‌های او انتظار داشته باشیم برای مثال، وقتی انجیل‌ها یحیی را پیامبر می‌نامند، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که بیشتر آنچه یحیی می‌گوید درست باشد.

یحیی همه چیز را به درستی نمی‌فهمد. او نمی‌فهمد که پادشاهی در دو مرحله می‌آید. بنابراین، او می‌خواهد بداند که آیا عیسی همان موعود است یا نه، وقتی که فقط در مورد شفای مردم توسط عیسی به جای تعمید دادن مردم در آتش می‌شنود.

اما یحیی عمدتاً فرد قابل اعتمادی است. او را پیامبر می‌نامند و شما قرار است بیشتر حرف‌های درست را از او بشنوید. خب، متی چیزی در مورد یوسف به ما می‌گوید.

ما می‌توانیم از رفتار او درس بگیریم، زیرا متی به طور خاص به ما می‌گوید که یوسف مرد درستکاری بود. انجیل لوقا بیشتر درباره مریم و نقش او در این ماجرا به ما می‌گوید، اما متی درباره یوسف می‌گوید. و از آنجایی که متی این را به صراحت به ما می‌گوید، می‌توانیم با اطمینان درس‌هایی از شخصیت یوسف در این زمینه بیاموزیم.

ما می‌توانیم در مورد تعهد در ازدواج، شفقت و رحمت، تقدیس یا کنترل بیاموزیم. و اگر این را در ترجمه C می‌شنوید، نگران نباشید. من فقط گاهی اوقات از کلماتی استفاده می‌کردم که بهترین نبودند تا فقط با شروع کنم. اما کنترل باید خویشن‌داری باشد و تقدیس باید اطاعت باشد.

مورد اول فقط به طور ضمنی بیان شده است، تعهد در ازدواج. در بعضی فرهنگ‌ها، ما وفاداری زناشویی را به اندازه کافی جدی نمی‌گیریم. ما خیانت را به اندازه کافی جدی نمی‌گیریم.

. یعنی دلال محبت او، تحت پیگرد قانونی قرار گیرد ، quinium

بنابراین، این موضوع در آن فرهنگ بسیار جدی گرفته می‌شد. و این آموزه متی در متی ۵:۳۲ و ۱۹:۹ را نشان می‌دهد، که در آن طلاق به دلیل زنا مجاز است، زیرا این درک وجود دارد که زنا یک نقض بسیار جدی ازدواج است، کاری که مردم قرار نیست انجام دهند. حالا، من می‌گویم این یکی فقط تلویحاً گفته شده است.

در این متن، این موضوع بدیهی فرض شده است. اما قرار است در چند لحظه‌ی آینده به درس‌های صریح‌تر و روشن‌تری از این متن بپردازیم. اما ابتدا می‌خواهم اشاره کنم که احتمالاً یوسف، مریم را آنطور که مردم اغلب هنگام صحبت در مورد نامزدی در دوران مدرن تصور می‌کنند، نمی‌شناخت.

نامزدی یا آتش‌افروزی اغلب حدود یک سال طول می‌کشید. و در یک روستای کوچک، شما می‌توانستید چیزهایی در مورد بسیاری از مردم بدانید. اما در طول آن دوره نامزدی، مرد و زن جوان به جز با یک همراه در جلیل، با هم نبودند.

در یهودیه، به این اندازه سخت گیرانه نبود، اما در جلیل، معمولاً یک همراه داشتند. این نامزدی به اندازه ازدواج الزام آور بود. فقط از دو طریق می توانست فسخ شود، طلاق یا مرگ یکی از شما.

بنابراین، یوسف آماده طلاق گرفتن از اوست زیرا فکر می کند که او عهد و پیمان را شکسته است. و به همین دلیل است که او باید طلاق بگیرد، حتی با اینکه این فقط نامزدی است. این چیزی فراتر از یک نامزدی غربی است.

در این دوران، رابطه جنسی قبل از ازدواج ممنوع بود. شخصی که به جرم زنا مجرم شناخته می شد، اگرچه در تثنیه ۲۲ از اعدام او صحبت شده است، اما در واقع در این دوره مرتکب زنا نمی شد. تمام شواهد ما نشان می دهد که در این دوره، او فقط شرم و تحقیر زیادی را متحمل می شد.

او در واقع به خاطر این کار اعدام نمی شد. خب، واکنش یوسف به او دلسوزی بود. با طلاق دادن علی او، بردنش پیش بزرگان شهر، می توانست هر مهریه ای را که پدرش به او داده بود، برای خود نگه دارد.

حالا، روشی که در این فرهنگ رایج بود، در فرهنگ یونانی بود، پدران به دخترانشان جهیزیه می دادند. آنها به آنها مقداری پول می دادند که باید با آن زندگی می کردند. اگر شوهرشان آنها را طلاق می داد، شوهر باید جهیزیه را بازپرداخت می کرد و غیره.

به دلیل آن تمهیدات اقتصادی، در واقع، در فرهنگ یونانی، نوزادان دختر را بیشتر از نوزادان پسر دور می ریختند. اما در فرهنگ یهودی، قرار نبود هیچ نوزادی را دور بیندازند. در فرهنگ یهودی، به طور سنتی، اتفاقی که می افتاد این بود که داماد آینده به پدرزنش شیر بها می داد.

این راهی برای تشکر از خانواده برای بزرگ کردن دخترشان بود. این نه تنها راهی برای ابراز قدردانی، بلکه راهی برای بزرگداشت عروس نیز بود. امروزه بسیاری از فرهنگ ها چنین مهریه ای دارند.

در واقع، همسر اهل کشوری در آفریقا است که طبق قانون، ما باید برای ازدواج، مهریه پرداخت می کردیم و من هم چون واقعاً می خواستم با او ازدواج کنم، مهریه پرداخت کردم. اما در هر صورت، هر پولی که همسر به این ازدواج آورده بود، می توانست برای خودش نگه دارد.

و این امر در این دوره به طور فزاینده ای در بین یهودیان رواج داشت. اگر زن مرتکب زنا می شد، او می توانست آن را نگه دارد. به علاوه، او می توانست هر مبلغی از شیربهای عروس را که به پدرزنش پرداخته بود، پس بگیرد، اگرچه در این شرایط احتمالاً به هر حال آن را پس می گرفت.

اما همچنین، او می توانست به خاطر شرمساری اش انتقام بگیرد. می توانست انتقام خودش را از او بگیرد. و می توانست بی گناهی اش را ثابت کند، مثلاً بگوید من کسی نیستم که او را باردار کرده ام.

بین من از این موضوع ناراحتم. اما در عوض، او طلاق خصوصی را انتخاب کرد، که چیزی بود که فقط جلوی دو یا سه شاهد انجام می شد.

او به او چیزی به نام «گیت» می داد، که به معنی «از اینجا برو بیرون» نبود، اما «گیت» گواهی طلاق بود. و این به او اجازه می داد اگر می خواست با کس دیگری ازدواج کند. اما او می گفت، تو دیگر به من متعهد نیستی.

دارم تو رو از این کار معاف می‌کنم. اما اون ترجیح داد این کار رو مخفیانه انجام بده تا اون دختر کمی خجالت‌زده بشه. این به ما یه چیزی در مورد معنای درستکار بودن یاد می‌ده.

یوسف فرد درستکاری بود. بخشی از درستکاری به این معنی است که ما کسانی را که فکر می‌کنیم به ما آسیب رسانده‌اند ببخشیم، مهربانی نشان دهیم و دشمنان خود را دوست داشته باشیم، همانطور که انجیل متی نیز به ما می‌آموزد. حال، در این مورد، او در واقع هیچ کار اشتباهی نکرده بود، اما یوسف فکر می‌کرد که او مرتکب شده است، و او دلسوزی نشان می‌دهد.

اما همچنین، ما در مورد تقدیس یا اطاعت می‌آموزیم. یوسف با ازدواج با او، تا آخر عمر شرمساری را در آغوش می‌گرفت. او در شرمساری او شریک می‌شد، گویی که او را باردار کرده است.

حالا این فرهنگی بود که در آن آبرو و شرم بسیار مهم بودند. مردم فرض می‌کردند که او او را باردار کرده است. طبق برخی روایات بعدی کلیسا، یوسف احتمالاً ازدواج کرده بود و همسر اولش فوت کرده بود، و بنابراین این موضوع در مورد سایر برادران و خواهران عیسی نیز صدق می‌کرد.

بسیاری از ما محققان فکر می‌کنیم که در واقع احتمالاً این فقط یک سنت متاخر است. این سنت در واقع قبل از انجیل اولیه یعقوب تأیید نشده است. بنابراین، می‌توانید هر دیدگاهی را که می‌خواهید در مورد آن داشته باشید.

اما بسیاری از ما استدلال می‌کنیم که احتمالاً این فقط یک احتمال متوسط است. این احتمالاً اولین ازدواج یوسف بود. یوسف احتمالاً بین ۱۸ تا ۲۰ سال سن داشت که سن معمول ازدواج برای مردان یهودی در آن زمان بود.

احتمالاً مریم در اواسط نوجوانی بود. به محض اینکه دختران به بلوغ می‌رسیدند، در جلیل و یهودیه قابل ازدواج تلقی می‌شدند، اما اغلب کمی بزرگتر از آن ازدواج می‌کردند. اما احتمالاً مریم برخلاف فرهنگ یونانی که شوهرانشان بسیار بزرگتر از همسرانشان بودند، خیلی هم از او کوچکتر نبود.

خب، یوسف مرد جوانی است. او تمام زندگی‌اش را پیش رو دارد. مریم هم تمام زندگی‌اش را پیش رو دارد، اما آنها از رویایی که خدا به یوسف داده بود، اطاعت می‌کنند.

این یک خواب معمولی نبود، بلکه فرشته‌ای از جانب خداوند در این خواب با او صحبت کرد. متی دوست دارد درباره این خواب‌ها برای ما تعریف کند. شما خواب‌هایی از مغها دارید.

در متی فصل ۲۷، شما همچنین خواب همسر پیلاتس را می‌بینید. یوسف خواب‌های دیگری هم می‌بیند. در کتاب مقدس، خدا گاهی اوقات خواب‌های نمادین را به روش‌های دیگری به شما می‌دهد، اما وقتی خدا یا فرشته‌ای با شما صحبت می‌کند، می‌دانید که بهتر است به آن خواب توجه کنید.

این فقط به این معنی نبود که قبل از خواب غذای بدی می‌خوردید. خویش‌ن‌داری. آنها تا زمان تولد عیسی از رابطه جنسی خودداری می‌کردند.

زوج‌های جوان معمولاً فقیر بودند. بنابراین، آنها معمولاً در یک اتاق زندگی می‌کردند. یوسف، اگر مانند بسیاری از دامادهای دیگر بود، وقتی تازه ازدواج کرده بود، اگر هنوز ساختن خانه را تمام نکرده بود، احتمالاً یوسف و مریم در یک اتاق موقت در خانه‌ای شبیه به خانه والدین یوسف اقامت داشتند.

بنابراین آنها در نزدیکی هم بودند و با این حال رابطه جنسی نداشتند. حالا آنها ازدواج کرده بودند. به آنها اجازه رابطه جنسی داده شده بود، اما آنها تصمیم گرفتند این کار را نکنند.

و خیلی از مردم در آن زمان فکر می کردند اگر یک مرد و یک زن را به مدت ۴۵ دقیقه تنها بگذارند، تسلیم می شوند. نمی توانند مقاومت کنند. اما یوسف و مریم به ما نشان می دهند، و مایه شرمساری مردم در بخش زیادی از فرهنگ غربی ما می شوند، مردمی که می گویند ما نمی توانیم خودمان را کنترل کنیم.

شهوات حیوانی ما بیش از حد قوی هستند. مگر اینکه، البته، چیزی غیرقانونی باشد و ما خودمان را کنترل کنیم. اما یوسف و مریم نمونه ای از خویشن داری را به ما نشان می دهند.

چرا این کار را کردند؟ اگر در شب عروسی رابطه جنسی برقرار می کردند، می توانستند ثابت کنند که او باکره بوده است. می توانستند برای خودشان آبرو کسب کنند. اما آنها تصمیم گرفتند از این کار خودداری کنند تا این فقط یک بارداری باکره نباشد، بلکه تولدی از باکره برای آبروی مسیح خدا باشد، به خاطر آنچه به آنها گفته شده بود.

حال اگر به تفسیر متی از اشعیا ۷:۱۴ نگاه کنیم، پسر عمانوئیل در این متن کیست؟ اشعیا ۷:۱۴، بنابراین خود خداوند به شما نشانه ای خواهد داد. اینک زنی جوان حامله و پسری خواهد بود و نام او را عمانوئیل خواهد گذاشت. حال در اینجا بحثی در مورد یکی از کلمات عبری وجود دارد.

من وارد این بحث نمی شوم. این را به استاد شما در کتاب اشعیا واگذار می کنم تا به آن رسیدگی کند. اما مضمون کتاب اشعیا این است.

خداوند دوباره با آحاز سخن گفت و گفت: «برای خودت نشانه ای بخواه.» متن این است که دو پادشاهی دیگر وجود داشتند که بر پادشاهی یهودا فشار می آوردند. پادشاهی های سامره، اسرائیل در شمال، و پادشاهی دمشق یا آرام، در شمال شرقی.

آنها سعی داشتند آحاز پادشاه را به ائتلاف خود علیه پادشاه آشور بکشانند. و اشعیا نبی می گوید، این کار را نکنید. این پادشاهی ها توسط پادشاه آشور فتح خواهند شد.

این دو پادشاهی که از آنها می ترسید، سقوط خواهند کرد. به آنها گوش ندهید. اکنون، خود خداوند به شما نشانه ای خواهد داد.

و این نشانه است زیرا آحاز نمی خواست نشانه ای بخواهد. زن جوانی پسری به دنیا خواهد آورد. به یاد داشته باشید، به خاطر داشته باشید، این نشانه ای برای آحاز، پادشاه یهودا در آن زمان، در دهه ۷۰۰ قبل از میلاد است.

او پسری به دنیا خواهد آورد و نامش را عمانوئیل خواهد گذاشت. او وقتی به اندازه کافی بداند که بدی را ترک کند و خوبی را برگزیند، ماست و عسل خواهد خورد. زیرا پیش از آنکه آن پسر به اندازه کافی بداند که بدی را ترک کند و خوبی را برگزیند، سرزمینی که شما از دو پادشاه آن می ترسید، متروکه خواهد شد.

بنابراین، این پادشاهان دیگر دیگر اهمیتی نخواهند داشت. این چیزی بود که در طول زندگی آحاز اتفاق می افتاد. و این چیزی بود که تولد این کودک قرار بود در جهان اتفاق بیفتد.

فصل ۸، سپس خداوند به من، به اشعیا، گفت: روی این لوح بنویس، غنیمت سریع است، شکار سریع است، فقط باید بگذرد. بنابراین، او به نبیه وارد شد، این همسر اشعیا خواهد بود، و او باردار شد، و ممکن است او نیز کسی بوده باشد که نبوت می‌کرد، اما من فقط می‌گویم به همین دلیل است که او به او وارد شد. او به او وارد شد، او باردار شد و او پسری به دنیا آورد.

خداوند فرمود: نام او را مهیرشلال حاشباز بگذار. غنیمت چابک است و شکار تیزپا. زیرا پیش از آنکه پسر بتواند فریاد برآورد، ای پدر یا مادر، ثروت دمشق و غنیمت سامره پیش پادشاه آشور برده خواهد شد.

آیا این به نظر می‌رسد که ممکن است به پیشگویی فصل ۷ مربوط باشد؟ بنابراین، به نظر می‌رسد که نشانه برای آحاز، پسر خود اشعیا خواهد بود. آیا متی اشتباه کرده است؟ اما همانطور که در اشعیا، اشعیا ۸: ۱۸ را می‌خوانیم، اشعیا می‌گوید، من و فرزندان من که خدا به من داده است، برای آیات و شگفتی‌ها برای اسرائیل هستیم. خب، هدف از یک نشانه چیست؟ آیا برای این است که بتوانیم به نشانه نگاه کنیم و بگوییم، اوه، چه نشانه زیبایی.

منظورم این است که کاش من هم چنین تابلویی در اتاق خوابم داشتم. بنابراین، ما فقط تابلو را تحسین می‌کنیم. نکته‌ی یک تابلو این است که به چیزی اشاره می‌کند.

این توجه ما را به چیزی جلب می‌کند. اشعیا و پسرانش طوری نبودند که همه به پسرانش نگاه کنند. آنها به چیز دیگری اشاره می‌کردند، چیزی فراتر از خودشان.

و در این مورد، بله، یک تحقق فوری وجود داشت، اما حتی در خود اشعیا، فراتر از آن به تحقق بزرگتری می‌نگریست، زمانی که واقعاً عمانوئیل، واقعاً خدا به معنای وسیع‌تری با ما باشد. و این همچنین بخشی از همان زمینه‌ای است که در اشعیا فصل ۹، اشعیا ۹ آیات ۶ و ۷ ادامه می‌دهد. فرزندی برای ما متولد خواهد شد. شد. پسری به ما داده خواهد شد.

حکومت بر دوش او خواهد بود. نام او مشاور شگفت‌انگیز، خدای قادر، پدر ابدی، شاهزاده صلح خوانده خواهد شد. و در ادامه از او به عنوان حاکم بر تخت داوود صحبت می‌شود.

بنابراین، این شخص از نسل داوود خواهد بود، و با این حال او نیز خدای قادر مطلق نامیده خواهد شد. و، مبادا فکر کنید که منظور از خدای قادر مطلق این نیست که او واقعاً خدای قادر مطلق نامیده خواهد شد، فصل بعد از این از خود خدا به عنوان خدای قادر مطلق صحبت می‌کند. بنابراین، خود خدا به تاریخ خواهد آمد و خود خدا با ما خدا خواهد بود.

خب، آیا متی واقعاً وقتی اشعیا ۷: ۱۴ را نقل قول می‌کرد، تمام متن را در ذهن داشت؟ فکر می‌کنم متی این کار را کرده، چون فقط چند فصل بعد، متی فصل ۴، متی دقیقاً از همان متن در اشعیا فصل ۹ نقل قول می‌کند، وقتی از نوری در جلیل از غریبه‌ودیان صحبت می‌کند. این متن درست قبل از خدای قادر مطلق است. اگر همین متن هنوز چند فصل بعد در ذهن متی باشد، فکر می‌کنم دلیل خوبی وجود دارد که باور کنیم در متی فصل ۱ هم در ذهن او بوده است. کاری که ما گاهی اوقات وقتی به نقل قول‌های متی از عهد عتیق نگاه می‌کنیم انجام می‌دهیم، این است که می‌خواهیم متی را از عهد عتیق تفسیر کنیم، یا می‌گوییم، اوه، متی متن را نخوانده است.

اما گاهی اوقات مشکل این است که ما زمینه را به اندازه کافی نخوانده‌ایم، که فکر می‌کنم در متی فصل ۱ و آیه ۲۳ و اشعیا ۷: ۱۴ این مورد صدق می‌کند. متی زمینه را می‌داند. شاید متی آنطور که برخی از ما امروزه با کتاب مقدس برخورد می‌کنیم، با آن برخورد نکرده باشد، اما متی مطمئناً می‌دانست که چه کاری انجام

می‌دهد، به روشی بسیار پیچیده که مطمئناً برای سایر مفسران یهودی زمان خود قابل فهم خواهد بود. اگر آثار سایر مفسران یهودی را بخوانید، او یکی از بهترین آنها بود.

اما ضمناً، وقتی درس‌هایی از شخصیت یوسف را موعظه کرده‌ام، گاهی اوقات مردم محکوم شده‌اند، زیرا همه کسانی که برایشان موعظه می‌کنیم لزوماً قبل از موعظه، زندگی پاک جنسی نداشته‌اند. بنابراین، خوب است به آنها یادآوری کنیم که این متن شامل شخصیت دیگری است و ذکر این شخصیت هنگام صحبت در مورد گناه واقعاً مفید است. و آن در متی فصل ۱ و آیه ۲۱ است، عیسی، که قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد.

من دکتر کریگ کینر هستم و در حال تدریس در مورد کتاب متی. این جلسه ۴، مقدمه و متی ۱ است.